

راهکارهای اندیشه‌ای تقریب مذاهب اسلامی

راهکارهای اندیشه‌ای تقریب مذاهب اسلامی

الحاج عبدالکریم آخوند الهی

مدرس حوزه علمیه اهل سنت

پیشگفتار :

اتحاد و انسجام از ابتدا مورد تأکید پیشوایان اسلامی بوده است اما با توجه به موقعیت حساس کنونی جهان اسلام ضرورت تقریب مذاهب اسلامی که عامل مهم وحدت جهان اسلام به شمار می‌رود بیش از پیش احساس می‌شود.

این نوشتار راهکارهای تقریب بین مذاهب اسلامی را بر می‌شمارد که از آن طریق می‌توان به همگرایی رسید شناخت متقابل مذاهب و تأکید بر عناصر مشترک نظیر اصول دین، کتاب و سنت، اهل بیت و عدم تحریک احساسات، اعتدال مذهبی، پرهیز از افتراها و رفع ابهام‌ها می‌تواند کشتی متلاطم جهان اسلام را به ساحل صلح و امنیت رهنمون سازد.

مقدمه :

امتها، وقتی از مبدا و مصدر خود فاصله می‌گیرند، به طور طبیعی مذاهب و نحللهای متعددی در آن به وجود می‌آیند. به ویژه اگر مرجعیت علمی، سیاسی مشخصی از سوی مبدا یا رهبرنخستین آن تعیین نشده باشد. امت اسلامی نیز بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) و کنار گذاشتن جانشینان منصوص آن حضرت به اختلافات فکری، عقیدتی و سیاسی کشانده شدند در این امر علاوه بر استنباطهای علمی، اغراض فردی و سیاسی نیز دخیل بوده است.

تشدید اختلافات و نزاع‌های مذهبی، اندیشمندان اسلامی را وادار کرده است که راه بیرون رفت از این آفت را بیابند. ازین رو از بدو تولد نحللهای مختلف، تئوریه‌ها و راهکارهای متعدد و متفاوتی در تقریب مذاهب ارائه کرده‌اند؛ به ویژه در سده اخیر گامهای عملی نسبتاً خوبی در این راه برداشته‌اند.

مراد از تقریب چیست؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه‌های زیر را میتوان مطرح کرد:

1. اتحاد مذاهب بر مبنای مشترکات و کنار گذاشتن موارد اختلاف؛
 2. رجوع به دوران ماقبل مذاهب و چشم بستن بر تمام دستاوردهای علمی آنها؛
 3. اتخاذ یک مذهب و کنار گذاشتن مذاهب دیگر یا ادغام آنها
 4. تکیه و تاکید بر مشترکات و سکوت در موارد اختلافی.
- سه فرضیه نخست به علت مشکلاتی که دارند یا عملی نیستند و یا نقایصی را در غنای فرهنگی، فروعیات فقهی و حتی اصول اسلامی پدید می‌آورند، نمیتوانند راهکار تقریب مذاهب اسلامی قرار گیرد. (بیان مشکلات و معایب مذکور، در این جا مورد نظر نیست) نگارنده در این نوشته میکوشد بر مبنای نظریه چهارم، راهکارهای مذاهب اسلامی را در ذیل عناوین زیر مورد بررسی قرار دهد.

شناخت مذاهب از راههای درست

1. 1. بررسی منابع

یکی از راههای مهم تقریب بین مذاهب، بررسی منابع و مبانی فقه تطبیقی است؛ چون با مراجعه به متون و منابع اصیل و نظریات پیشوایان مذاهب، معلوم میشود که در بسیاری از موارد اختلاف وسیع و عمیقی وجود ندارد. علت بسیاری از اختلافات این است که در شناخت مذهب رقیب، به جای رجوع به کتابها و مستندات خود آن مذهب، شناختشان معطوف به کتابها و مستنداتی است که دیگران در باره آن مکتب و مذهب نوشته‌اند و در این کتابها، اصول و فروع آن مذهب به درستی منعکس نشده است؛ بلکه بالاتر از آن نسبتهایی به آن مکتب و مذهب داده شده است که گاه پیروان آن مذهب خود از آن نسبتها بیخبر اند. این مطلب، باعث نگاههایی بدبینانه و تکفیر آمیز در میان پیروان مذاهب اسلامی شده است. ازین رو نباید اموری را که پیروان مکتبی قبول ندارند به انحای مختلف به آن نسبت داد. اختلافات شیعه و سنی را جریانهای افراطی و سیاسی بزرگ کرده‌اند و گونه اختلاف امر طبیعی است. به خصوص اگر اختلاف منشأ فکری داشته باشد و ناشی از استنباطها باشد نه تنها اشکالی ندارد بلکه مفید هم هست و موجب تحرک و پیشرفت میشود.

1. 2. مناظره یا گفتمان علمی

دومین روش تاثیرگذار در شناخت افکار و عقاید مذاهب از همدیگر، روش مناظره است. عالمان و اندیشمندان فرق و مذاهب اسلامی باید در گفتمان علمی روشن کنند که چه عقایدی از ما هستند و چه عقایدی از ما نیستند. پس از پذیرش آنها، بر اثبات آن، دلیل اقامه نمایند. مناظرات و گفتوگوهای علمی که به قصد آشکار شدن حقیقت انجام می‌شوند، وجدانها را بیدار میکند؛ چون

انسانها به صورت فطري در برابر حقيقت سر فرود می‌آورند. هم چنین این شیوه گرهها و سؤالاتي که طرف مقابل گرفتار آن است و نمیتواند براي آن راه حلي پیدا کند، می‌گشاید.

تأکید بر نقاط مشترک و عناصر تقریبي

2. 1. وحدت دین و اصول آن

مهمترین مسأله در تقریب بین مذاهب، این است که پیروان تمام مذاهب، دین واحد و اصول مشترک دارند. اختلاف در برداشتهای کلامی، فقهی و تفسیری از طبیعت نظری بودن آنهاست نه از مذهب و چنین اختلافی طبیعی و گریزناپذیر است از این رو در میان عالمان پیرو مذهب واحد نیز وجود دارد. بر این اساس اندیشمندان مسلمان هر یک دیگری را در مسایل اختلافی معذور بدانند تا باعث صف آرایي در برابر یکدیگر نشوند.

اقبال لاهوری معتقد است که اصل توحید متضمن وحدت تفکیکناپذیر است و وحدت فکر و عمل مسلمین از همین اصل سرچشمه میگیرد. به عقیده وی، فرد با عقیده توحید و جامعه با عقیده رسالت زنده میماند. همه اندیشهها، مرامها و ایدههایی ما از همین عقیده رسالت الهام میگیرد.

از رسالت همنوا گشتیم ما هم نفس هم مدعا گشتیم ما

کثرت هم مدعا وحدت شود پخته چون وحدت شود ملت شود

اقبال به جهان اسلام گوش زد میکند که بعثت پیامبر گرامی اسلام به عنوان عقیده مشترک میتواند محور اتحاد قرار گیرد تا از این رهگذر جهان اسلام به هویت واقعی خود که همان «امة واحدة» است دست یابد. توجه اسلام به مراسم جمعی، چون نماز جماعت، نماز جمعه، حج، تأکید بر اخوت اسلامی، رعایت حقوق دیگران، رفع حوائج برادران دینی، موااسات مالی، ایثار و... نشان دیگری از اهتمام دین بر همگرایی و وحدت است.

2. 2. محبت اهل بیت

خوشبختانه تمام مذاهب اسلامی و پیروان آنها به اهل بیت پیامبر(ص)، محبت میورزند و نسبت به آنان به دیده احترام مینگرند. به گونه‌ای که بسیاری از اهل سنت در مورد فضایل و محبت آنها کتابها نوشتهاند. و مرجعیت علمی اهل بیت را میپذیرند. گذشته از مقام علمی بیت نزد اهل سنت، آنان عمدتاً متاثر از جریان تصوف و پیرو گرایشهای مختلف تصوفاند و نحللهای تصوف هر کدام و برای اهل بیت مقام و منزلت خاصی قایلند که این امر به وحدت شیعه و سنی کمک شایانی می‌کند.

2. 3. اتفاق بر اعتبار کتاب و سنت

سومین عنصر، برای تقریب مذاهب اسلامی، اعتقاد بر حجیت کتاب و سنت است که مورد توافق تمام مذاهب

اسلامی است که همه در احکام شرعی و حوادث واقع به آن مراجعه میکنند.

بعد از خداوند و اصل دین که کانون اصلی وحدت به شمار میروند، قرآن است. قرآن مهمترین منبع و مرجع عقاید، اخلاق و استنباط‌های احکام شرعی بشمار میرود؛ چون صدور آن از خداوند قطعی است و همه مسلمانان درحقیقت و دلیل بودن آن نسبت به احکام عملی و... اتفاق نظر دارند. اگر قرآن میزان عمل قرار گیرد، بسیاری از اختلافات و مشکلات حل میگردد.

سید جمال الدین که یکی از پیشگامان وحدت و تقریب است، به دنبال این بود که با پیروی از الگوی صدر اسلام، مسلمانان فارغ از امتیازات و اختلافات نژادی، فرقه‌ای، زبانی، و... به اسلام به عنوان یک کل نگاه کنند. برداشت او از اتحاد، حاکمیت فرد خاص نبود؛ بلکه او میخواست مسلمانها با وجود تمایزات جغرافیایی و... تنها قرآن را میزان عمل قرار دهند و در همه جا قرآن حاکم باشد. سید مشکلات و عقب ماندگی مسلمان را در دوری از اسلام و قرآن میدانست و بر رفع این نقیصه تاکید می‌ورزید که مسلمان‌ها قرآن را برنامه زندگی بدانند نه صرفاً کتاب مقدس و بی ارتباط با زندگی.

3. اعتدال مذهبی و پرهیز از اعمال تحریک آمیز

عنصر دیگری که برای موفقیت تقریب مذاهب اسلامی مهم است، در پیش گرفتن روش اعتدال مذهبی است؛ چون هر مذهب و آیینی ممکن است در طول زمان به افراطها و تفریطهایی دچار شود، پیروان مذاهب، خود اصول و فروعی را به مذهب و دین اضافه کنند و یا تفسیر سختگیرانه از اصول و فروع دین داشته باشند که براساس آن، کسانی را که در چارچوب تفسیر مذهبی و دینی آنها نگنجند، خارج از دین و دینداری حساب کنند. امروزه جریانهای طالبان و القاعده به چنین تفسیرهایی روی آورده‌اند. نتیجه بحثهای علمی و تاریخی هرچه باشد، نباید منجر به درگیری عملی، عداوت و خون ریزی میان مسلمانان شده و موجب تضعیف اسلام گردد که تضعیف اسلام به هرنامی که باشد از محرمات و گام برداشتن در راه شیطان است. بهترین زمینه اتحاد مسلمانان، اجتناب از تحریک احساسات و احترام گذاردن به عقاید دیگران است. خداوند در قرآن دستور میدهد: «خدایان کفار را سب نکنید و فحش ندهید تا آنها نیز خداوند جهان را فحش ندهند».

4. سکوت و چشم پوشی از بعضی مسائل اختلافی

عده‌ای از دانشمندان تقریبی معتقدند سکوت و وارد نشدن در بعضی مسائل اختلافی میان مذاهب اسلامی یا ارائه تفسیر خاصی از این مسایل، میتواند زمینه ساز تقریب باشد. در مورد رهبری جامعه اسلامی بعد از پیامبر اعظم (ص) میان جامعه اسلامی اختلاف نظر وجود دارد ولی این موضوع یک امر تاریخی است که پرداختن به آن ثمره‌ای جز تشدید اختلافات و در نتیجه تضعیف کلیت اسلام ندارد. باید نسبت به این مسأله، رویکرد اغماض و سکوت پیشه نمود؛ چرا که خلافتی که در صدر اسلام مطرح بود، در حال حاضر موضوعاً منتفی است و

5. تشکیل مدارس مشترک و تدریس آرای مذاهب بصورت مقارن

یکی از راهکارهای مهم تقریب مذاهب، ایجاد یا تشکیل نظام آموزشی مختلط از دانشجویان شیعه و سنی و تدریس دیدگاه های مذاهب بصورت مقارن است.

راهکارهای عملی جهت تقریب بین مذاهب اسلامی

تقریب بین مذاهب اسلامی ایده ای است که بر بنیان اصل اخوت دینی و امت واحد اسلامی استوار می باشد. از دیرباز تقریب بین مذاهب به عنوان گام مهم و عملی در راستای تحقق عینی وحدت اسلامی و اخوت دینی مورد توجه عالمان بزرگ جهان اسلام قرار داشته است. تقریب مذاهب بیانگر بینش فکری و عملی در راستای ایجاد ذهنیت مثبت و سازنده میان پیروان مذاهب اسلامی نسبت به همدیگر می باشد. این ذهنیت از طریق نفی تعصبات مذهبی و جزم نگری های غیرعلمی پیروان مذاهب اسلامی را به هم پذیری دینی و احترام به اصل تفاوت نظر در برخی از فروع دینی فرا می خواند.

امروز در عصر جهانی شدن و دوره وابستگی متقابل جوامع بشری، گفتمان لیبرالیسم و مادی گرا به عنوان گفتمان مسلط، نظام ارزشی اسلام و گفتمان دینی را به چالش کشیده است. طرح تئوری برخورد تمدن ها نمونه ای از تلاش در راستای برجسته ساختن خطر اسلام گرائی و گسترش اسلام در گستره جهانی است. از جانب دیگران جهان اسلام نیز با چالش ها و مشکلات داخلی گوناگونی روبرو است که در نهایت چهره نورانی تعالیم اسلامی را زیر سوال برده و همواره باور و ایمان دینی جوانان مسلمان را با شک و تردید روبرو می سازد. حاصل جمع چالش های درونی و هجمه های بیرونی برابر است با ضرورت بیداری امت اسلامی و تلاش همه جانبه در راستای تقریب مذاهب اسلامی و همچنین تحکیم اخوت و برادری میان پیروان مذاهب اسلامی است.

اما سؤال اساسی این که در عمل، تقریب مذاهب اسلامی و اخوت دینی چگونه انجام می پذیرد؟

پاسخ این سؤال ما را به ضرورت تدوین جامع و کارآمد استراتژی تقریب روبرو می سازد.

در این نوشتار مهم ترین محورهای استراتژی تقریب بین مذاهب اسلامی که در واقع راهکارهای عینی و عملی تحقق این ایده بزرگ اسلامی است، مورد توجه قرار دارد که به صورت فهرست گونه و به اختصار یاد آوری می گردد:

ترویج آموزه ها و تعالیم اسلامی بر محوریت کتاب و سنت

قرآن کریم و سنت نبوی محور مشترک تمام مذاهب و فرق اسلامی است. پیروان مذاهب اسلامی با اتفاق نظر،

قرآن و سنت نبوی را به عنوان منبع غنی و ارزشمند فقه و احکام اسلامی مورد تأکید قرار داده و کلیه فرق و مذاهب اسلامی را بر محوریت این دو منبع ارزشمند و میراث پیامبر گرامی اسلام جزء خانواده بزرگ امت اسلامی محسوب می کند. بنا براین، برجسته ساختن این محور مشترک راه را بر نوع حرکت تفرقه افکنانه که میان امت اسلامی جدائی می اندازد، مسدود می نماید. فروع فقهی مورد اختلاف نظر فقیهان مسلمان در پرتو اشتراک نظر آنان بر سر محوریت قرآن و سنت، بسیار جزئی تر و کم اهمیت تر از آن است که بتواند حلقه مستحکم امت اسلامی را خدشه دار سازد. پس لازم است تمام عالمان دینی و اندیشمندان مسلمان بر این محوریت عظیم تأکید نموده و تمام فرق اسلامی را که به این دو میراث گرانقدر نبی مکرم اسلام ایمان دارند، با دیده برادر دینی نگریسته و مورد احترام متقابل قرار دهند.

تأکید بر حفظ و حراست از نظام ارزشی و اخلاقی اسلام

امروزه جهان اسلام بیش از هر زمان در معرض حمله های فرهنگی و الگوسازی های غیر دینی و متناقض با ارزشهای اخلاقی و انسانی اسلام قرار دارند. جهان اسلام و مسلمانان هویت دینی و دنیوی شان را بر اساس نظام ارزشی اسلام که مطابق با فطرت انسانی و برگرفته از وحی الهی است، تعریف می کنند. بنا براین، حراست و حفاظت از هویت اسلامی مسلمانان، ضرورت پاسداری از نظام ارزشی و اخلاقی مسلمانان و وظیفه مشترک تمام اندیشمندان مسلمان است. پاسداری از هویت اسلامی رسالت و وظیفه همه عالمان دینی و امت اسلامی است. برجسته ساختن و زنده نگهداشتن هویت اسلامی به مفهوم نفی ایده ها و باورهای فرهنگی مغایر با ارزش های اسلامی است. بنا براین، تحکیم هویت اسلامی به عنوان هویت جمعی مسلمانان گام عملی و اساسی در راستای تحقق عینی امت واحد اسلامی است.

تقویت و گسترش مشترکات اسلامی و تأکید بر سرنوشت مشترک امت اسلامی

جهان اسلام بخش عظیمی از جغرافیای انسانی و سیاسی جهان را به خود اختصاص می دهد. در این جغرافیای بزرگ امت اسلامی دارای سرنوشت اجتماعی مشترک می باشد. از نظر اعتقادات اسلامی، اهتمام به امور مسلمین و رسیدگی به وضعیت نابسامان برادران و خواهران مسلمان در اکناف عالم، یکی از وظایف مسلمانان محسوب می گردد. زیرا این گفته پیامبر اسلام است که فرمود: «من اصیح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم». بحکم این فرموده پیامبر اسلام، مسلمانان باید نسبت به وضعیت برادران دینی خویش احساس مسئولیت نموده و خود را در رنج و درد آنان شریک بدانند. گسترش و تقویت روحیه همدردی و هم سرنوشتی در نهایت زمینه های انسجام بیشتر و اتحاد عملی مسلمانان را فراهم می سازد.

تأکید بر تهدیدات مشترک

امروزه جهان اسلام و امت اسلامی با تهدیدات مشترک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رو برو هستند. تهدید فرهنگی که معتقدات دینی مسلمانان را به چالش می طلبد، از مهم ترین تهدیدات جهان کنونی است که

کلیت اندیشه و تفکر اسلامی را به مبارزه می‌طلبید. این تهدیدات از مرزهای جغرافیایی، ملی، مذهبی و قومی عبور نموده و هویت مشترک امت اسلامی را که همانا دینداری و پایبندی به نظام ارزشی اسلام است، زیر سؤال می‌برد. آگاه ساختن مسلمانان، نویسندگان و عالمان دینی به این خطر و تهدید مشترک، آنان را از رفتن به سوی اختلاف‌های جزئی برحذر داشته و متوجه دفاع مشترک و دسته‌جمعی از کلیت نظام اسلامی و معقدات دینی می‌سازد. چه کسی می‌تواند بپذیرد که در جهان کنونی همه‌های فرهنگی و اعتقادی اصل ایمان دینی و دین‌باوری را تخریب می‌نماید، اما وی همچنان درگیر مطرح ساختن تفاوت نظرهای جزئی فقهی فقیهان اسلامی باشد؟

به طور منطقی آنگاه که کلیت نظام دینی و دینداری به چالش کشیده شود، دل مشغولی عالمان دینی به طرح مسایل مذهبی و جزئی دور از صواب خواهد بود. بنابراین، اندیشمندان مسلمان وظیفه دارند تا در راستای حراست از دینداری و ایمان بعنوان هدف مشترک در سنگر واحدی بنام حراست از دینداری قرار گیرد، این امر نیز به نوبه خود تمثیل عینی اخوت و برادری اسلامی خواهد بود.

برگزاری کنفرانس‌های علمی مشترک از سوی عالمان و روشنفکران دینی

بدون تردید تعامل فکری و تضارب آراء میان اندیشمندان مسلمان شیعه و سنی یکی از عوامل دوری آنان و گاه ایجاد ذهنیت‌های منفی در میان آنان و بالتبع امت اسلامی است. بدین منظور، برگزاری نشست‌های علمی مشترک که عالمان شیعه و سنی در کنار هم به طرح دیدگاه‌ها و نقطه نظرات اسلامی و دینی بپردازند، نقش مهمی را در ایجاد وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب اسلامی خواهد داشت. درک درست از نقطه نظرات فقهی و دینی عالمان مسلمان شیعه و سنی از همدیگر در نهایت به گسترش نقاط اشتراک و کم‌رنگ گردیدن تفاوت‌های جزئی در مسایل فقهی کمک نموده و زمینه‌های تحقق عملی اخوت اسلامی را فراهم می‌سازد.

جلوگیری از تبلیغات منفی مذهبی

جهان اسلام تجربیات تلخ و ناگواری از برخورد تکفیری و افراطی در میان مذاهب اسلامی از سوی برخی از افراد و حلقات به نام مذهب خاص را تجربه نموده است. امروزه نیز در برخی از بلاد اسلامی هنوز هستند کسانی که بنام شیعه و سنی و یا دیگر فرق اسلامی با دیدگاه انحصاری و غیرقابل انعطاف به تبلیغ منفی علیه دیگران می‌پردازند. جلوگیری از تبلیغات منفی علیه مذاهب اسلامی یکی از راهکارهای اساسی تقریب بین مذاهب اسلامی است. این وظیفه خطیر عالمان دینی است که از انجام چنین برخوردهای سبک و منافی با مصالح علمی امت اسلامی جلوگیری نمایند. با تلخی باید یادآور شد که در میان تشیع و تسنن، پیشگام این گونه حرکت‌های منفی و غیرمنطقی عده‌ای از ملاحی بی‌سواد و یا کم‌سوادی هستند که به سادگی در دام طرفندهای سیاست‌بازان قرار گرفته و به خیال خدمت به مذهب دین اسلام خیانت و جفا می‌نمایند. پیروان مذاهب اسلامی حق دارند به طور آزادانه از آموزه‌ها و تعالیم مذهبی خویش تبلیغ نمایند. اما نه منطق

اسلامی و نه مصلحت جهان اسلامی و نه اصل اخوت و برادری به هیچکس اجازه نمی‌دهد که از تبلیغات منفی علیه سایر مذاهب اسلامی استفاده نمایند. جلوگیری از برخوردهای متعصبانه که نه به نفع مذهب است و نه به نفع دین اسلام، از وظایف مهم علمای اسلامی بوده و گام مهمی در راستای تحقق اخوت اسلامی است.

تاکید بر اصل احترام به تفاوت نظرهای فقهی

زندگی علمی و اجتماعی رهبران اسلامی الگوی کارآمد و ارزشمند از تعامل اجتماعی است رهبران مذاهب اسلامی اگر در اجتهادات فقهی باهم اختلاف نظر نمی‌داشتند، شاید فقه اسلامی امروزه از بالندگی و پویایی‌ای که دارد برخوردار نمی‌بود. آنان باید با در نظر داشتن اصل محوریت قرآن و سنت، اختلاف در روش‌های اجتهادی و نظریات فقهی را با دیده قدر نگریسته و نظریات مخالف را با دید احترام می‌نگریستند. اگر امروزه امت اسلامی و عالمان مسلمان در موارد اختلاف نظر فقهی، بر نظریات همدیگر اصل احترام متقابل و معذوریت شرعی را مورد توجه قرار دهند، به یقین تفاوت نظر فقهی نه تنها مانع اخوت و برادری آنان نخواهد شد، بلکه زمینه‌های رشد و تعالی فقه اسلامی را نیز فراهم خواهد ساخت.

جنگ نرم، فن مقابله با تقریب مذاهب اسلامی

زمینه ایجاد انشقاق در میان مسلمانان نیز وجود دارد. "نومحافظه کاران به همین منظور برای اولین قدم در جهت مقابله با اسلام به دولتمردان آمریکایی، به ویژه اوباما، پیشنهاد کردند در سخنرانی‌ها از مفهوم "جهان اسلام" اجتناب کرده و به جای آن از مفهوم "مسلمانان" استفاده می‌کنند. در این عرصه برای سیاستگذاران غرب، استفاده از جنگ نرم و بکارگیری فنون عملیات روانی از جایگاه خاصی برخوردار است.

در این مختصر تلاش بر آن است تا ابعاد طرح استفاده از جنگ نرم برای مقابله با اتحاد جهان اسلام مورد بررسی قرار گرفته و به سه پرسش زیر پاسخ داده شود

۱- جنگ نرم با جنگ سرد چه تفاوت‌هایی دارد؟

۲- در جنگ نرم برای مقابله با اتحاد اسلامی از چه روش‌هایی استفاده می‌شود؟

۳- روش‌های مقابله با جنگ نرم چیست؟

۱- تفاوت جنگ نرم با جنگ سرد

الف- هدف از جنگ نرم، تاثیر گذاری بر روی اعتقادات و باورهای مسلمانان است در حالی که در جنگ سخت، دشمنان اسلام، تصرف سرزمینه‌های اسلامی را مد نظر دارند.

ب- در جنگ نرم آثار تخریب و استحاله باورها و اعتقادات در کوتاه مدت نامحسوس است ولی در جنگ سخت آسیب ها و ویرانی ها محسوس و ملموس است.

ج- ویرانی های جنگ سخت با سرمایه گذاری مجدد می تواند بازسازی شود اما در جنگ نرم ، بازسازی آسیب ها به سهولت امکان پذیر نیست.

ه- جنگ سخت بلحاظ هزینه، پرهزینه تر و بلحاظ زمان، کوتاه تر است اما جنگ نرم بلندمدت و کم هزینه می باشد.

و- در جنگ سخت انسانها کشته شده یا آسیب می بینند اما در جنگ نرم، باورها، اعتقادات و اندیشه ها از بین رفته یا استحاله می شوند.

ز- ادوات و آلات نظامی ابزار جنگ سخت هستند اما در جنگ نرم از منابع قدرت نرم یعنی رسانه ها و ماهواره ها، ابزار اصلی هستند.

در مجموع هدف اصلی جنگ نرم تاثیر گذاری بر افکار عمومی و بخصوص نخبگان می باشد. غرب در سال ۱۹۹۰ راه شکست اتحاد جماهیر شوروی را با جنگ نرم تجربه کرد و با جنگ رسانه ای و هدایت افکار عمومی موجبات فروپاشی شوروی را فراهم نمود. امروزه نیز جنگ اینترنتی ، ایجاد شبکه های رادیو تلویزیونی و پخش شایعات اشکال مهم جنگ نرم هستند . در عرصه مقابله با قدرت اسلام نیز، جنگ نرم در صدد تضعیف اندیشه و تفکر تقریبی در بین علما و شخصیت های تاثیر گذار جهان اسلام است. در این ارتباط، غرب بودجه های بسیاری را برای تقویت رسانه ای سنتی نظیر مطبوعات، رادیو و تلویزیون و رسانه های مدرن نظیر سامانه های اینترنتی، سینما، تئاتر، انیمیشن در نظر گرفته عملیاتی نیز شده است.

۲- روش های جنگ نرم در تقابل با تقریب:

الف- فرقه سازی مذهبی و سیاسی

قدرت های غربی، در قرن ۱۹ و پس از شکست های متعدد اروپایی ها در جنگ های صلیبی و رویارویی با امپراتوری عثمانی، قدرت های بزرگ به این نتیجه رسیدند که بهترین راه مقابله با اتحاد مسلمانان، ایجاد فرقه های جعلی و منحرف چون "بابی گری" و "وها بیت" است. این فرقه ها بتدریج با هدایت استعمار انگلستان ایجاد شد. تبلیغ و تقویت اندیشه ناسیونالیسم در جهان اسلام برای تضعیف نقش دین در همگرایی امت اسلامی هم ترفند دیگر استعمار بود. امروز نیز همین فرقه ها بخصوص افراط گرایان اسلامی در کشورهای افغانستان، پاکستان و یمن نیز نقش خود را، عمدا یا سهوا، در جهت تامین منافع غرب ایفا می کنند.

تخریب بنیان های فرهنگی یکی از اهداف جنگ نرم فرهنگی به حاشیه کشاندن فرهنگ دینی ، ملی جوامع است تا با حاکم کردن خواسته های خود ، اداره امور جهان را به دست گیرند.

ب- دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی

یکی از راهکارهای غرب بهره برداری از وجود تنوع قومی و قبیله ای در کشورهای مسلمان جهت دامن زدن به اختلافات فرقه ای و مذهبی، با استفاده از جنگ روانی در فضای مجازی و رسانه ای است. ما امروز شاهد ظهور مجدد ملیت گرایی در کشورها هستیم. در این تکنیک با تشدید اختلافات فرقه ای زمینه های همگرایی جهان اسلام، به عواملی برای تفرقه و جدایی تبدیل می گردد. امروز ما شاهد هستیم که وجود درگیری های قومی و مذهبی در کشورهای مسلمان همچون افغانستان، عراق و پاکستان تا چه اندازه در ایجاد شکاف میان کشورهای اسلامی تاثیر گذارده است.

ج- ایجاد اختلاف میان کشورهای مسلمان

ترفند دیگر که این روزها با شدت بیشتری نیز دنبال می شود ایجاد اختلاف میان کشورهای مسلمان است. برای مثال بزرگ نمائی تهدید نظامی ایران برای کشورهای منطقه، برای رودررو قرار دادن ایران با کشورهای خاورمیانه عمل می کند. یا طرح موضوع ساختگی و بی اساس " هلال شیعی" برای دامن زدن به اختلاف های کشورهای اسلامی دنبال می شود. در حالی که همه مسلمانان جهان، در اصول با یکدیگر اشتراک عقیده داشته و به خدای واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد و قبله واحد اعتقاد دارند. دامن زدن به اختلافات مرزی بین کشورهای اسلامی، توسط غرب و از طریق جنگ نرم برای افزایش زمینه های اختلاف بین کشورهای اسلامی نیز در همین چارچوب قابل طرح است.

د- نخبه پروری با رویکرد نفوذ:

مهمترین مولفه سیاسی در جنگ نرم، پرورش نخبگان سیاسی همچون نویسندگان، شعرا و هنرمندان در کشورهای کلیدی، به عنوان عناصر نفوذی و حمایت از این نخبگان برای ایجاد اختلاف است. پرورش نخبگان یکی از مهمترین جنبه های جنگ نرم و عملیات روانی است. بکارگیری نخبگان جهت تاثیر گذاری بر اندیشه های تقریبی، یک جنگ پنهان است که در شرایط صلح نیز به صورت غیرمحمسوس کاربرد دارد. این قبیل نخبگان نفوذی، نخست از طریق رسانه ها در قالب برگزاری مصاحبه و مناظره به عنوان چهره های اندیشمند و محبوب معرفی شده و سپس افکار و اندیشه های خاص آنان در جهت اهداف غرب در میان مردم اشاعه می یابد. در مقاطعی برای مقاصد خاص، به این افراد جوایز مطرح در عرصه اندیشه و هنر، نظیر نوبل و اسکار هم داده می شود. قدرت های بزرگ با اشاعه تفکرات این افراد از طریق شبکه های ارتباطی کوشش می کنند تا اندیشه ها و آداب خود را در دیگر جوامع نیز رواج داده و فرهنگ ملل مسلمان و بطور خاص موضوع وحدت اسلامی را متاثر نمایند. طبیعتا وقتی روح اسلام و فرهنگ مسلمان با رواج اندیشه های بدلی و جعلی از جامعه اسلام رخت بریندد، "اتحاد" که یکی از مظاهر فرهنگ اسلامی است نیز در حاشیه قرار می گیرد.

ه- مقابله با بیدار اسلامی به عنوان پشتوانه وحدت

جهان غرب در یک برنامه راهبری بر آن است که برای مقابله با وحدت مسلمانان با بیداری اسلامی که بحمد امروز در میان مسلمانان رو به گسترش است، مقابله کند. در این ارتباط استفاده عملیات روانی و

جنگ نرم در دستور کار غرب می باشد.

یکی از سیاستگذاران غرب به نام تالمون در سال ۱۹۹۲ راهکارهای زیر را برای مقابله با بیداری اسلامی ارائه می دهد.

- از اشاعه ارزش‌های اسلامی در دنیای غرب ممانعت شود.
 - انقلاب اسلامی را در محدوده جغرافیایی ایران محصور نماید.
 - از وحدت جهان اسلام جلوگیری کنید.
 - ارزش‌های اسلامی را وارونه جلوه دهید.
- با نشر و اشاعه چنین دیدگاه‌هایی در جوامع غربی، دستگاه‌های تبلیغاتی غرب بخصوص پس از حادثه یازده سپتامبر، در پی مقابله ژرف‌تر و روشمندتر با جهان اسلام برآمدند. وجود گروه‌های افراطی همچون القاعده و حرکت‌هایی چون طالبان به این هدف غرب برای مشوه جلوه دادن اسلام و مقابله با اندیشه‌ای تقریبی، کمک شایانی کرد.
- در مجموع اساس مطالعات غربی‌ها موفقیت آنها در بکارگیری جنگ غرب برای مقابله با اسلام و وحدت اسلامی را تأیید کرده است. یک نظر سنجی توسط مرکز مطالعات غرب اینگونه ادعا کرده که در دهه اخیر تحولات زیر رخ داده است:

- بر تعداد روشنفکران غیرمذهبی افزوده شده است.
 - فرار مغزها از کشورهای اسلامی به خارج بیشتر شده است.
 - گرایش به فیلم‌های سینمایی غربی افزون شده است.
 - محبوبیت مدل‌های غربی در جهان اسلام بیشتر شده است.
 - تعداد لاییک‌ها بیشتر شده است.
 - از گرایش به نهادهای مذهبی کاسته شده است.
 - بر تعداد طرفداران سکولاریسم افزوده شده است.
- و همه اینها موانعی برای ایجاد وحدت اسلامی ایجاد کرده است.

۳- شیوه‌های مقابله:

برای تحقق اهداف تقریبی در میان مذاهب اسلامی، یافتن شیوه‌هایی برای مقابله با تهدیدهای جنگ نرم ضرورت دارد در این ارتباط پیشنهادات زیر ارائه می گردد.

الف- برای شناخت ترفندهای غرب برای مقابله با تقریب مذاهب از طریق جنگ نرم، برپائی میزگردهای تخصصی در کشورهای اسلامی لازم است.

ب- در بعد بین‌المللی نهادهای اسلامی و غربی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی موسسه فرهنگی اکو، باید

با برگزاری میزگردها و نشست های منظم نقش مهمی در برقراری وحدت میان مسلمانان جهان ایجاد کنند. □
برای مقابله با جنگ نرم ، داشتن راهبرد و برنامه ضرورت دارد لذا مناسب است شورای عالی مجمع بین المللی تقریب مذاهب اسلامی در دو حوزه عملیات روانی و عملیات رسانه ای ، نقش هر یک از اعضا را مشخص و و وظیفه وی را در حوزه محل فعالیت مشخص نماید. این مجمع می تواند یک گروه نظارتی برای نظارت بر فعالیت های هریک از اعضاء در این زمینه تاسیس نماید.

ج- جهت شناخت و مقابله با ترفندهای جنگ نرم، وظیفه علما و روحانیون و دیگر فرهیختگان اهمیت دارد. لذا باید با آموزش های لازم، بصیرت آنان نسبت به وضعیت فعلی و جوامع اسلامی و دسایس دشمن ارتقاء یابد. در واقع تقویت قوه تحلیل و ایجاد بصیرت در امت اسلامی برای شناخت اهداف جنگ نرم یک ضرورت فوری است.

د- برای تقویت بیداری اسلامی به عنوان پشتوانه وحدت اسلامی، علمای دین باید با روش های نوین و پاسخگو، خلا دینی و اعتقادی موجود در جوامع اسلامی را پر کرده و از گسترش بی دینی و سکولاریسم در میان مسلمانان و بخصوص جوانان جلوگیری کنند.

جمع بندی

از آنچه بیان شد روشن میگردد که:

به جز مساله امامت میان شیعه و سنی اختلاف بنیادینی وجود ندارد چون امامت از نظراهل سنت از فروعات فقهی است نه از مسایل اصولی و اختلافات علمی نیز از ویژگی نظری بودن آنست که از یک سو خطر آفرین نیست و از سوی دیگر با مباحثات و گفتوگوهای علمی قابل حل هستند؛ بنا بر این نباید اختلاف نظرهای علمی به نزاعهای عملی کشانده شوند. این جریانهای افراطیاند که همواره اختلافات را بزرگ میکنند. اغراض و انگیزههای سیاسی، آن را تقویت میکنند
جای بسی تاسف است که مسلمانان با تاسی از پیشوایان خود نه تنها الگوی مهرورزی نشدند بلکه بیش از سایر ملل به نزاعهای موهوم کشانده شده اند.

مسلمانان با پیروی از پیشوایان اسلام میتوانند به وحدت و همگرایی برسند و با بکارگیری شیوه- های که بیان شد به زندگی مسالمت آمیز نائل شوند. و از این رهگذر اقتدار گذشته خود را باز یابند.